



حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُمْ مُسْلِمِينَ (۸۴) فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۸۵) وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۸۶) وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ يَبُوتَا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۸۷) وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۸۸) قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸۹)﴾

موسای کلیم (سلام الله علیه) بعد از ارائه آیات بینات و معجزات روشن و اتمام حجت دید یک گروه کمی از جوانها ایمان آوردند البته بعدها مؤمنان بیشتر شدند به آنها فرمود اکنون آغاز مبارزه است برای اینکه او که شما را رها نمی کند که در مبارزه هم ایمان و توکل و تسلیم در برابر امر خدا لازم است اگر به خدا مؤمنید توکل کنید و اگر چنانچه مستسلمید و منقادید این توکلتنان را حفظ کنید اینها هم عرض کردند ما فقط بر خدا متوکلیم و به غیر خدا هم تکیه نمی کنیم لکن مستحضرید معنای توکل کردن این نیست که انسان بگوید خدایا من کارها را به تو واگذار می کنم و هیچ احساس مسئولیت نکند در هر لحظه باید بین خوف و رجا باشد انسان تا زنده است در معرض خطر است لذا هرگز با توکل مشکلات بعدی حل نمی شود اینکه می گوییم به ما دستور داد فرمود ﴿الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ

استقاموا^۱ همین است آنها که گفتند ﴿ربنا الله﴾^۲ و توکل کردند باید لحظه به لحظه مستقیم باشد مواظب باشند لحظه به لحظه خطر هم انسان را تهدید می‌کند لحظه به لحظه باید از ذات اقدس إله مدد طلب بکند این که ما مرتب در نمازها می‌گوییم ﴿اهدنا الصراط المستقیم﴾^۳ یعنی آنچه را که تا حال متوجه نشدیم خدایا هدایت کن تا متوجه بشویم آنچه را که متوجه شدیم و توفیق عمل پیدا نکردیم خدایا توفیق بده عمل کنیم آنچه را که متوجه شدیم و عمل می‌کنیم خدایا توفیق بده آن راه را ادامه بدهیم این اهدنا گاهی به معنی «علمنا» است گاهی بمعنی (فقهنا) است گاهی به معنی (ادمننا) است و مانند آن پیروان موسای کلیم (سلام الله علیه) عرض کردند خدایا ما ایمان آوردیم توکل کردیم اما دوتا خطر ما را تهدید می‌کند يك خطر معنوی يك خطر مادی يك خطری مربوط به دین يك خطری مربوط به دنیا خطری که مربوط به دین است آن است که ممکن است ما در اثر شبهه ضعف فکری کج اندیشی شبیخون فرهنگی تهاجم فرهنگی مورد فتنه کافران قرار بگیریم و «معاذالله» دست از این دین برداریم چه کسی تضمین می‌کند انسانی که مؤمن است تا آخر عمر مؤمناً بماند اگر يك گروهی شبهه پذیر شدند اینها فتنه کافرانند يك گروهی ساده لوح شدند اینها فتنه کافرانند فتنه اند یعنی چه یعنی مورد آزمون کافرانند کافران نسبت به اینها مغرور می‌شوند روی اینها کار می‌کنند با شستشوی مغزی اینها را دوباره مرتد می‌کنند این خطر همیشه بود و هست اینها در جوار موسای کلیم به ذات اقدس إله عرض کردند خدایا این خطر ما را تهدید می‌کند ما يك مشت تازه مسلمان شدیم از شبهات اینها هم که بی خبریم خیلی‌ها هستند که در دربار فرعون ترویج کردند یا گفتند ما باید میراث فرهنگی را آثار فرهنگی را اینها را باید حفظ بکنیم یا اگر چنانچه بت پرستی بد بود خدا که قادر است

۱ - سورة فصلت، آیه ۳۰

۲ - سورة فصلت، آیه ۳۰

۳ - سورة فاتحه، آیه ۶

چرا جلویش تا به حال نگرفته بود از این شبهاتی که قرآن کریم تك تك این شبهات را نقض می‌کند و رد می‌کند عوام از بت پرست يك طور حرف می‌زنند که ﴿إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ﴾^۱ آن محققانشان پژوهشگران‌شان که بالأخره می‌خواهند این را نگه بدارند این فکر باطل را يك جور استدلال می‌کنند که ﴿لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اشْرَكْنَا وَلَا آبَاءُنَا﴾^۲ خلط بین اراده تکوین و تشریع دارند تك تك این شبهات بوده است چه آنهایی که مال عوام از وثنیین است چه آنها که به محققین از وثنیین است همه را نقل می‌کند و ابطال می‌کند الان شما ببینید خدای ناکرده چهار تا جوان در معرض آفت و آسینند اینها فتنه روشنفکران بی‌دینند فتنه‌اند یعنی چه؟ یعنی اینها جوانند آماده پذیرشند آن مایه علمی را ندارند گرفتار ضعف علمی‌اند شبهه هم يك ویروس است اینها هم که در معرض آنها هستند در چنگ اینها هستند مغرور می‌شوند می‌گویند ما اینها را از پا درمی‌آوریم این جوانها می‌شوند ﴿فِتْنَةٌ لِلظَّالِمِينَ﴾^۳ پیروان موسای کلیم عرض کردند خدایا دو تا خطر ما را تهدید می‌کند یکی اینکه مبدا اینها روی ما کار بکنند ما تازه مسلمان شده‌ایم از شبهات آنها و از دسیسه آنها که خبری نداریم آنها مغرور بشوند ما مورد فتنه و آزمون آنها قرار بگیریم ما را منحرف بکنند به کج‌راهه ببرند تو ما را حفظ کن این یکی این مال آن محققان و درباریان تحصیل کرده فرعون اما دربارہ آن نیروهای جلاد فرعون خود فرعون آن نیروی جلاد که کارشان ﴿يَسُومُونَكُم سُوءَ الْعَذَابِ﴾ بود ﴿يَذْجِبُونَ إِبْنَاءَكُمْ﴾^۴ بود نسبت به اینها عرض کردند ﴿وَنَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾^۵ اگر کافرید هم ما

۱ - سورة زخرف، آیه ۲۲

۲ - سورة انعام، آیه ۱۴۸

۳ - سورة صافات، آیه ۶۳

۴ - سورة بقره، آیه ۴۹

۵ - سورة مومنون، آیه ۲۸

را از اینهایی که ﴿یسومونکم سوء العذاب﴾^۱ دارند از اینها نجات بده هم ما را از آن شبهه افکن ها برهان این دو تا خطر ما را تهدید می کند و خدایا ما را از این دو خطر نجات بده و دعا هم مستجاب شد و گروهی که اهل این دعا نبودند به دام آن ویروس سامری افتادند خوب در نوبت های قبل به عرضتان رسید نه تنها بالاتر از خدا فرض ندارد مثل خدا هم فرض ندارد ﴿لیس کمثله شیء﴾^۲ گاو هم که معروف به بلادت است می گویند این ابلد من البقر ابلد من الثور گاو که معروف به بلادت و کودنی است گوساله که از او بدتر است بدتر از هر دو آن سرامیک گوساله است چون گوساله ای که سامری درآورد که سرامیک دستی بود این طور نبود که یک حیوانی باشد یک حیاتی داشته باشد این نکته هم که از کلمه استفاده شده است که فرمود ﴿فأخرج لهم عجلاً جسداً له خوار﴾ نه عجلاً له خوار نه اینکه واقعاً گوساله بود زنده بود حیاتی داشت به صورت گوساله تعبیه کرده چیزی را در او که بانگی داشت و صدایی درمی آورد خوب حالا آن گوساله زنده چه می فهمد که این گوساله سرامیک دستی بفهمد نازل ترین و پست ترین چیز را به جای بالاترین چیز جهان هستی قرار دادند گفتند ﴿هذا إلهکم و اله موسی﴾^۳ عده ای هم قبول کردند این شده فتنه یعنی آن کسی که قدرت مقاومت ندارد چهار تا خلاف را به صورت ثواب تلقینش بکنند چهار تا شبهه را در ذهن او القاء بکنند این برمی گردد در یک روایت نورانی وجود مبارک امام صادق (سلام الله علیه) فرمود هر جایی می خواهید بروید حالا یا شهر یا ده اول تحقیق کن بین یک عالم متدین دینی در آنجا وجود دارد یا نه؟ اگر ندارد آن ده نزد آن شهر نرو آنجا اقامت نکن برای اینکه بالأخره افراد ممکن است شماها را منحرف کنند یا طرزی شبهه القا کنند که شما نتوانید جواب بدهید اول به این فکر باشید آنجا کتابخانه دارد عالم دارد مؤمن محقق

۱ - سورة بقره، آیه ۴۹

۲ - سورة شوری، آیه ۱۱

۳ - سورة طه، آیه ۸۸

دارد بعد بروید اینها هم عرض کردند خدایا ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ يك دعایی است که پیروان حضرت خلیل (سلام الله علیه) این دعا را دارند مؤمنان به آن حضرت این دعا را دارند مقتدیان به آن حضرت این دعا را دارند در سوره مبارکه ممتحنه آیه پنج این است آیه چهار این است که ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بِرَأْيَاكُمْ﴾^۱ بعد گفتند ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾^۲ خدایا بالأخره يك مایه علمی به ما بده قبل از اینکه آن مایه علمی را ما پیدا کنیم مبادا ما گرفتار چهار تا شبهه بشویم و اوضاع برگردد الان شما می بینید بعضی ها هم متأسفانه بالأخره بی ارتباط به این حوزه ها نبودند اما يك کسی که شبهه زده است ﴿يَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ﴾^۳ گرفتار آن است ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ﴾^۴ می بینید حالا به عنوان شبهه چه طوری این متشابهات جمع بندی می شود و علیه اسلام و قاعده اسلامی و فقه اسلامی حرف منتشر می شود غالب شماها بالأخره یا شرح لمعه را درس گفتید یا بحث کردید مکاسب را یا درس گفتید یا بالأخره بحث کردید می دانید در مسئله غیبت مسئله تهمت مسئله افترا مسئله مسخره اینها جزء محرمات است در غالب این موارد این طرح هم مطرح است که آیا غیبت فلان کسی که مؤافق دین ما نیست مثلاً یهودی است یا مسیحی است جایز است یا نه؟ آیا غیبت مسیحی جایز است یا نه؟ آیا تهمت مسیحی جایز است یا نه؟ آیا افترا جایز است یا نه؟ این در غالب این فروع است بعضی می گویند عمومات یا اطلاعات منصرف است به مؤمن چون دارد که نمی شود غیبت مؤمن را کرد نمی شود چیزی را کرد بنابراین غیبت آنها جایز است تهمت آنها جایز است این در این بحثهای فقهی هست در مکاسب چه در شرح لمعه خوب يك کسی حالا

۱ - سوره ممتحنه، آیه ۴

۲ - سوره ممتحنه، آیه ۶

۳ - سوره آل عمران، آیه ۷

۴ - سوره آل عمران، آیه ۷

ممکن خدای ناکرده معمم هم باشد اینها را جمع بندی بکند بعد بگوید فقه کذابی این به درد گذشته می خورد الان
فقه‌ای ما باید تجدید نظر بکنند برای اینکه مسئله حقوق بشر هست فقهی که نتواند آبروی همه شهروندان را حفظ
بکند این چه فقهی است چون اسلامی که نتواند آبروی همه شهروندان را حفظ بکند خوب چطور غیبت کردن و
آبروریزی يك شهروند غیر مسلمان جایز است و فقط مسلمانها هستند محترمند این معلوم می شود «معاذالله» یا
اصلش را اشکال دارد یا فهم فقها را اشکال دارد این نشانه آن شبهه زدگی است غافل از اینکه در همان شرح لمعه
این حرف هست در مکاسب این حرف هست در همه کتابهای فقهی آن حرف هست این را خوب گوش بدهید
چون درد روز است حالا معلوم می شود که چرا بچه های جوان ایمان آورده بنی اسرائیلی دعا کردند تضرع کردند
که خدایا ما را از این شبهه ها نجات بده آن نجات دادن و دریافت نجات از ظلم ظالمان يك حساب دیگر است آن
را خوب همه می فهمند ظالم وقتی دارد ظلم می کند انسان به خدا پناه می برد از شر او در امان باشد اما خودش
مبادا يك مقاله ای را بخواند يك کتابی را بخواند يك روزنامه ای را بخواند زیر و رو بشود شبهه را تا آدم نتواند حل
بکند او آدم را منحل می کند شبهه نظیر سل و سرطان نیست که پنج شش سال با او دوام بیاورد شبهه مثل سکنه
است آنی است ولو آدم با او کاری نداشته باشد او آدم را منحل می کند يك وقتی می بیند يك مدت بعدی بروز
می کند سر از جای دیگر درمی آورد تا خدای ناکرده کار دیگری بکند يك حرف دیگری بزند شبهه مثل سکنه
مغزی یا سکنه قلبی است که تأثیرش آنی است حالا ظهورش بعد از دو سال یا سه سال است شبهه مثل سرطان و
سل و اینها نیست که بعد از چند سال اثر بکند اثرش آنی است حالا شخص ممکن است که کتمان بکند فعلاً نگوید
مثل کافران و منافقان که نمی گویند خوب در تمام کتابهای فقهی هست این دو تا مطلب را دو تا مسئله را شما
ملاحظه بفرمایید يك مسئله این است که حالا کسی «معاذالله» حرمتی برای پیغمبر ما قایل نیست این همه معجزات

را وجود مبارك پيغمبر آورد وجود مبارك حضرت امير را در حضور هزارها نفر بلند كرد و گفت اين على جانشين من است براى او هم ثابت شده است كه پيغمبر در غدير چه فرمود نه آبرو براى پيغمبر قايل است نه آبرو براى حضرت على قايل است نه اهل ولايت است نه اهل امامت است حالا براى ما چرا واجب باشد كه آبروى او را حفظ كنيم حالا ما دو نفر اينجا نشستيم هيچ كسى هم در خانه ما نيست ما دو به دو داريم حرف مى‌زنيم چرا حالا ما بايد آبروى او را حفظ بكنيم او كه آبروى پيغمبر ما امام ما را حفظ نمى‌كند غيبت كردن دو نفر در اتاق خودشان نشسته‌اند غير از خدا احدى باخبر نيست اگر درباره مسلمان مومن محترمي دارند سخن مى‌گويند حفظ آبروى او در همين فضا هم واجب است هيچ كس هم نيست مگر خدا ولى واجب است حالا يك كسى كه دين ما را قبول ندارد آبروى براى پيغمبر و امام ما قايل نيست آبروى براى نظام ما قايل نيست حالا براى ما واجب باشد در اتاق آبروى او را حفظ كنيم اين واجب نيست اين يك مسئله اگر فقها فرمودند غيبت غير مومن جايز است اينجا است مسئله ديگر ظلم آيا جايز است يا نه؟ يك وقتى است كه شما مى‌خواهيد به جامعه منتقل كنيد به حقوق بشر منتقل كنيد به ظلم برسيد ظلم ولو نسبت به كافر حربى هم حرام است اين را همه فقها گفتند ظلم نسبت به سگ هم حرام است نسبت به مار و عقرب هم حرام است حالا اگر كسى رفته باغ وحش مگر مى‌تواند به اين مار سمى ظلم بكد اگر جاى ريختن آبرو جاى سلب حيثيت است جاى ظلم صادق است جاى تعدى صادق است جاى مصلوب الحيشه كردن صادق است بالآخره ظلم است همه گفتند حرام است ديگر يك فقيه و دو فقيه كه نگفتند شما از همه فقها از همه مراجع دامت بركاتهُ سؤال كنيد كه ما رفتيم باغ وحش آيا مى‌توانيم به اين مار ظلم بكنيم يا نه همه مى‌گويند حرام است يك سگى آنجاديد يك گرگى آنجاديد اين دين دين عدل است پس دو تا مسئله است حالا اگر دو نفر در اتاقى نشسته‌اند ثالثشان هم الله است اينها درباره يك كسى حرف

می‌زنند حالا بر اینها واجب است آبروی آن شخصی که قبول ندارد اصلاً جریان غدیر را با اینکه همه مسائل برایش حل شده است برای امام ما پیغمبر ما نظام ما شهدای ما هیچ آبرویی قایل نیست حرمتی قایل نیست بر ما واجب باشد که پشت سر او حرف نزنیم؟ اما اگر به جامعه منتقل بشود يك چیزی را می‌خواهیم در فضای باز بگوییم در روزنامه‌ها بنویسیم در جامعه بگوییم منتشر بکنیم که از او عنوان ظلم انتزاع می‌شود خوب حرام است دیگر بنابراین همه شهروندان از عدل ما باید استفاده بکنند ما هم نسبت به همه باید عادل باشیم نسبت به باغ وحش باید عادل باشیم این دین است این دین نور است آن وقت يك کسی بیاید این دو تا مسئله را به هم خلط بکند یکی را بگذارد کنار ﴿يُفَرِّقُونَ بَيْنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ باشد ﴿نُومِنُ بَعْضُ﴾^۱ باشد ﴿وَنُكَفِّرُ بَعْضُ﴾^۲ باشد بعد بگویند این فقه تاریخ مصرفش گذشته است فقه این را گفته آن را هم گفته دیگر این را اینجا گفته آن را آنجا گفته الان اینکه به برکت نظام اسلامی همه این اقلیتها مثل دیگران از حقوق خوب برخوردارند این در عدل اسلامی است دیگر مگر می‌شود به يك کلیمی ظلم کرد مگر می‌شود به يك مسیحی ظلم کرد مگر می‌شود به يك کمونیست مستأمن ظلم کرد الان چريك‌های فدایی خلق آن اکثریت‌ها کافرند دیگر خوب کسی کاری به آنها ندارد که همه حقوقی که شیعه‌ها و مسلمانها دارند آنها هم دارند با اینکه صریحاً می‌دانیم که اینها کافرند خدا را قبول ندارند نه آن اقلیتی که فرمان مسلح‌ها را دارد آن اکثریت‌شان خوب کافرند نه خدا را قبول دارند نه قیامت را قبول دارند ولی از عدل اسلامی دارند استفاده می‌کنند این می‌شود حقوق بشر اگر کسی خدای ناکرده شبهه زده باشد فتنه زده باشد ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ﴾^۳ است به دنبال آن می‌رود دیگر نمی‌رود

۱ - سورة نساء، آیه ۱۵

۲ - سورة نساء، آیه ۱۵

۳ - سورة آل عمران، آیه ۷

همسایه این حکم دیگر هم هست غرض این است که آنها فهمیدند که در معرض خطرند به ذات اقدس إله عرض کردند ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ و مانند آن چه اینکه پیروان حضرت خلیل حق برابر آیه پنج سوره مبارک ممتحنه از سابق و لاحق اینها عرض کردند ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا﴾^۱ این دعایی است که همه ما در همه حالات باید داشته باشیم اما آن دعای دومشان خوب چیز روشنی است که عرض کردند ﴿وَنَجِّنَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾^۲ از همین کافرین و ظالمین و من قوم کافرین که فرعون و درباریان فرعون بودند که عذاب می کردند این يك نجات است آن ﴿لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً﴾

سؤال: ... جواب: نه ظلم هم ﴿إِن الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾^۳ آنجا هم می گیرد گاهی ممکن است دسیسه های عملی بکنند گاهی ممکن است دسیسه های نظری بکنند آن شَرک هم که ﴿لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾^۴ آن بخش های نظری برمی گردد غرض این است که يك کسی را ممکن است با مسائل سیاسی فریب بدهند یکی را با مسائل نظری فریب بدهند یکی را با مسائل عملی فریب بدهند یکی را با مسائل اخلاقی فریب بدهند اگر يك کسی در معرض آزمون قرار گرفت شستشوی مغزی بشود این فتنه للكافرین این در معرض آزمون و امتحان کافرین قرار می گیرد روی این کار می کنند این را شبهه زده می کنند این جوانها عرض کردند خدایا ما را در معرض چنین آفتی قرار نده آن هم نجات از عذاب است که ﴿وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ خب ذات اقدس إله در چنین فضایی که خود وجود مبارک موسی و هارون (سلام الله علیه) آماده بودند قوم او هم آماده بودند حالا دستور مبارزات پیگیر را شروع کرده فرمود الان شما باید اینجا بمانید جای هجرت نیست هجرت مال يك گروه

۱ - سوره ممتحنه، آیه ۷

۲ - سوره مومنون، آیه ۲۸

۳ - سوره لقمان، آیه ۱۳

۴ - سوره لقمان، آیه ۱۳

دیگر است که مثلاً از مکه به مدینه یا از مکه به حبشه آنها هجرت دارند بعدها فعلاً شما بخواهید مصر را ترك كنید اینجا جایش نیست اینجا جای ترك وطن نیست اینجا جای هجرت نیست جای مقاومت است همین جا باشید منتها اینها که در روستاها هستند یا چادر نشینند یا مرز نشینند حاشیه شهرند اینها که بی‌خانمانند به همه اینها به موسی و هارون (سلام الله علیه) فرمود به همه اینها عنایت کنید اینها را جمع بندی کنید شناسایی بکنید که بیایند در شهر اینها صاحب خانه بشوند از این چادر نشینی و مرز نشینی و حاشیه نشینی و پراکنده بودن نجات پیدا کنند اول این کار را بکنید در خود مصر محله‌ای را انتخاب کنید آنجا خانه داشته باشید ﴿ان تبوءا لقومكما بمصر بیوتا﴾ باع بمكان یعنی اینجا مکان گرفت تبوا الدار یعنی اینجا فلان دار را فلان مسکن را فلان منزل را جایگاه خود قرار داد شما دو تا بزرگوار برای قومتان در خصوص مصر نه جای دیگر خانه‌ای فراهم بکنید که اینها از پراکنده بودن و چادر نشینی نجات پیدا کنند ﴿واجعلوا بیوتکم قبله﴾ آن روزها که مسئله تلفن و اینها نبود فرمود این خانه‌هایتان در يك محله‌ای باشد که همه رو به روی هم باشید متقابل هم باشید از یکدیگر باخبر باشید خانه‌هایتان رو به روی هم مقابل هم نزدیک هم که بالأخره يك قبیله خاصی در يك محله مخصوصی از یکدیگر باخبر باشند و آنچه که شما را به هم جمع می‌کند مسئله نماز است ﴿واقیموا الصلاة﴾ این نماز واقعاً ستون دین است یعنی اگر کسی مرتب با ذات اقدس إله در ارتباط باشد او را جدی بگیرد برای اینکه او خدای ماست ما هم بنده اویم دلیلی ندارد که از او فاصله بگیریم و دلیلی هم ندارد او ما راه ندهد چه پیوندی بهتر از این ما با او دوستانه و آشنایانه و عاشقانه و محبانه حرف می‌زنیم و این را جدی می‌گیریم و موارد فراوانی هم ملاحظه فرمودید اصلاً در قرآن کریم سخن از خواندن نماز و قرائت نماز نیست برای اینکه قرآن کریم کتاب حکیم است ﴿یس * والقران الحکیم﴾ کتاب حکیم

همه حرفهایش حکیمانه است اگر در دین گفته شد «الصلاه عمود الدین»^۱ دیگر ستون را کسی نمی خواند اگر يك وقتی يك جایی گفته بود شما نماز بخوانید آن وقت جای اعتراض علما بلند بود که این چه کتابی است اینکه با حکمت سازگار نیست مگر يك حکیم می گوید ستون را بخوان می گوید ستون را اقامه بکن همه جا سخن از اقامه صلاه است ﴿يَقِيْمُوْنَ الصَّلَاةَ﴾^۲ ﴿اَقِمِ الصَّلَاةَ﴾^۳ ﴿اَقِيْمُوا الصَّلَاةَ﴾^۴ برای اینکه ستون دین را آدم نگه می دارد این ستون است حالا این را در واقع باید جدی گرفت ملتی که نماز دارد همه چیز دارد با کسی حرف می زند که تمام قدرتهای غیب و شهود در اختیار او است با کسی حرف می زند که تمام قدرتهای غیب و شهود را می تواند در راه دین کار بگیرد این هم که فرمود ﴿اِنَّ اللّٰهَ سَيِّطِلُهُ﴾^۵ این سین سین تحقیق است نه تصریح و این یبطله هم فعل مضارع است مثل يحق الحق که نشانه استمرار است که از سنت الاهی حکایت می کند نه اینکه در گذشته این کار را می کرد بعدها خدا این کار را می کند این از سنت الاهی خبر می دهد قبلاً این طور بود الان این طور است بعداً این طور خواهد بود این یبطل يحق این است اما معنایش این نیست که هر کسی سحر کرده همانجا خدا باطل بکند در هر جریانی وقتی پرونده ختم می شود به سود حق ختم می شود در تمام داستانها اگر گناه ممکن نباشد که عالم عالم آزمون و تکلیف و تکامل نیست دست خیلی ها را خدا باز می گذارد برای گناه چون باید امتحان بکند در هر جریانی در هر مسابقه ای در هر مناظره ای در هر صحنه ای وقتی پرونده بخواهد بسته بشود ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۶ هیچ جا نشد در هیچ صحنه در هیچ بازی در هیچ مبارزه در هیچ مسابقه که باطل پیروز بشود و حق شکست

۱ - وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۷

۲ - سورة مائده، آیه ۵۵

۳ - سورة هود، آیه ۱۱۴

۴ - سورة بقره، آیه ۴۳

۵ - سورة یونس، آیه ۸۱

۶ - سورة اعراف، آیه ۱۲۸

بخورد در همه صحنه‌ها ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۱ در کل نظام هم که البته ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۲ تا به ظهور صاحب اصلی‌اش برسد اینکه فرمود اگر ما به کفار امتحان مهلت دادیم این محال است این استدراج است ﴿وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا﴾^۳ اینها خیال نکنند جلو افتادند ما يك قدری اینها را میدان دادیم تا جلوتر اینها را بگیریم نفسشان بند بیاید بعد اینها را بگیریم جلوتر هم مأموران ما ایستادند این طور نیست که این ﴿وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا﴾^۴ آخر کجا می‌خواهند بروند دو قدم آن طرف‌تر هم که باز ایست بازرسی است چهار قدم آن طرف‌تر هم که اقف بازرسی است پس هر جا برود بازرسان ما هستند ما يك قدری او را می‌دوانیم که نفسش بند بیاید همان‌جا بگیریم فرمود اگر يك وقتی ما به يك عده مهلت دادیم می‌خواهیم نفسش بند بیاید آنجا او را بگیریم ﴿وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا غُلِّیْ لَهُمُ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا غُلِّیْ لَهُمُ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾^۵ ما می‌خواهیم کاملاً نفس‌گیر بشود بعد همان‌جا او را بگیریم اینکه از ملك و ملك ما خارج نیست همه جا سیم خاردار است این کجا می‌خواهد فرار کند بنابراین اگر يك وقتی يك سحری شد معنایش این نیست که سحر در عالم واقع نمی‌شود معلوم می‌شود در این صحنه در این جریان ما به او مهلت دادیم که نفسش بند بیاید بعد بگیریم سحر هم آن طور نیست که در واقع اثر بکند یعنی مثلاً اینها بتوانند حیوان واقعی خلق بکنند این طور نیست اما تأثیرش واقعی است کما مر اینها در اثر تلقینات و تأثیر در خیال در انسان آثار تکوینی دارند (ما یفرحون به بین المرأ و زوجة) هست (ما هم هست) شما می‌بینید گاهی خبر دروغ اثر تکوینی دارد يك گزارش دروغی به کسی می‌دهند کسی سگته می‌کند

۱ - سورة اعراف، آیه ۱۲۸

۲ - سورة اعراف، آیه ۱۲۸

۳ - سورة انفال، آیه ۵۹

۴ - سورة انفال، آیه ۵۹

۵ - سورة آل عمران، آیه ۱۷۸

خوب سخته کردن و مردن و اینها يك امور تکوینی است منشأش دروغ است این گزارش دروغ باعث باور اوست آن باور است که در صحنه جان این شخص اثر می‌گذارد این ﴿سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ﴾^۱ این چشم بندی این سحر در فضای خیال و اینها باعث شد ﴿وَاسْتَرْهَبُوهُمْ﴾^۲ خیلی‌ها ترسیدند گاهی ممکن است يك چیز واقعیت داشته باشد انسان چون نداند نهراسد مثل عقربی که از کنار لباس انسان می‌گذرد انسان نمی‌داند هیچ هم نمی‌ترسد در کمال آرامش می‌نشیند يك سوسکی را شب تار عقرب پندارد و جیغ بکشد فریاد بکشد انسان از آن خاطرات درونی خودش یا حق یا باطل یا آرامش احساس می‌کند یا فریاد می‌کشد سحر این آثار را دارد که در خاطرات انسان در القاءات انسان در اندیشه‌های انسان در انگیزه‌های انسان اثر بگذارد آن وقت آن اندیشه‌ها و انگیزه‌ها آثار تکوینی خود چه فراوان هم دارد و ذات اقدس إله هم در هر جریان جمع بندی بر اساس ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۳ سحر را باطل می‌کند حق را احقاق می‌کند و مانند آن در اینجا هم فرمود شما این مبارزات و پیگیری‌تان را از اینجا شروع کنید اینها را از مرز نشینی و حاشیه‌نشینی و چادر نشینی و پراکنده بودن و گبر نشینی و امثال ذلك نجات بدهید ﴿إِنْ تَبُوءْا لِقَوْمِكَمَا بِمَصْرَ بِيُوتَا﴾ تأمین مسکن برای مستضعفان برای رهبران الهی يك وظیفه و مسئولیت است ﴿وَاجْعَلُوا بِيُوتَكُمْ قِبْلَةً﴾ در يك محله خانه‌هایتان رو به روی هم باشد و باخبر باشید و نماز را اقامه کنید آن‌گاه ﴿وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ این کارها را بکنید و مومنینی که توکل کردند شهرنشین شدند مبارزه را ادامه می‌دهند و از یکدیگر باخبرند و اهل اقامه نمازند به اینها خبر بدهید آن‌گاه دعای ویژه موسی کلیم شروع شد عرض کرد خدایا اینکه قوم من به عرض شما رساندند ﴿لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً﴾ خوب اینها بالأخره ملت فقیرند و

۱ - سورة اعراف، آیه ۱۱۶

۲ - سورة اعراف، آیه ۱۱۶

۳ - سورة اعراف، آیه ۱۲۸

گرسنه‌اند سرمایه هم که به دست آنهاست اکثری این افراد ساده‌لوح هم برابر ادراکات حسی داوری می‌کنند زیور و زینت هم که دست آنهاست به آنها هم زینت دادی هم ثروت دادی يك كاری كن كه این قدرت‌ها و جاذبه‌های ظاهری از آنها گرفته بشود آن مسائل اندیشه و فکر و القائات و تبلیغات و اینها را مثلاً قبلاً دادی و می‌دهی این را هم از اینها بگیر که اینها نتوانند عوام فریبی کنند حرف فرعون و درباریان فرمود ﴿اليس لي ملك مصر و هذه الأنهار تجري من تحتي﴾^۱ آنها حرفشان این است الان شما می‌بینید بسیاری از جوانها که وارد غرب می‌شوند غریزه‌اند آن اوضاع را می‌بیند خیال می‌کنند تمدن همین است خوب این کشورهای غارت شده ثروت‌هایشان رفته به غرب آنجا انباشته شده

این طور نیست که خود شما نبودید در نشست هزاره ادیان که آن امریکایی اصیل آن سرخ پوست اصیل چه طور ناله می‌کردند که بالأخره ما صاحبان اصلی بودیم ما صاحب‌خانه بودیم ما را به این روز سیاه نشانند اینها این می‌شود امریکا الان هم همینطورند دیگر آن صاحب‌خانه‌های اصلی آن امریکایی‌های اصلی آن سرخپوست‌های اصلی آنها در فقر و فلاکتند اینها می‌گویند ﴿هذه الأنهار تجري من تحتي﴾^۲ ﴿اليس لي ملك مصر و هذه الأنهار تجري من تحتي﴾^۳ این ﴿قد أفلح اليوم من استعلى﴾^۴ را اینها هم دارند می‌گویند خوب اگر کسی بر اساس ﴿قد أفلح اليوم من استعلى﴾^۵ حرف بزند ﴿اليس لي ملك مصر و هذه الأنهار تجري من تحتي﴾^۶ حرف می‌زند اکثری این افراد ساده‌لوح هم فریب خورده‌اند چه کار باید کرد هم‌زمان با تعلیم کتاب و حکمت باید جلوی

۱ - سورة زخرف، آیه ۵۱

۲ - سورة زخرف، آیه ۵۱

۳ - سورة زخرف، آیه ۵۱

۴ - سورة طه، آیه ۶۴

۵ - سورة طه، آیه ۶۴

۶ - سورة زخرف، آیه ۵۱

آن بزهکاری و تزین و آنها را هم گرفت عرض کرد خدایا اینها هم زینت دارند هم مال دارند بساط اینها را باید جمع کنی تا از این طرف هم ما اینها را هدایت کنیم از آن طرف هم آنها قدرت قوایت و گمراهی نداشته باشند ﴿ربنا انك آتيت فرعون و ملاءه زينة﴾ هم از نظر زینت از نظر قیافه از نظر نژاد از این جهت زینت دارند هم سرمایه‌ای دارند که بالأخره این زینت اینها را تقویت می‌کند بین زینت و مال عموم و خصوص من وجه است بعضی امور مال است زینت نیست نظیر گاوه‌ای در بیابان اینها که بالأخره شیر می‌دهند عامل تأمین اقتصادند اما زیور و زینتند بعضی امور زینت هستند جزء اموال و ثروت حساب نمی‌شوند بعضی از امور مشترکند عرض کرد شما به اینها هم زینت دادید هم مال دادید در حیات دنیا عاقبت این زینت و اموالی که شما به اینها دادید گرچه فرمودید ﴿من المال اموالکم کالفتنه﴾ است و مال و فرزند ﴿زينة الحیاة الدنیا﴾^۱ است اما اینها از آن ابزار بهره‌بردای سوء می‌کنند ﴿ربنا لیضلوا﴾ این لام لام عاقبت است نه لام غایت لام عاقبت یعنی پایان کار این است مثل ﴿و لقد ذرأنا لجهنم کثیرا من الجن﴾^۲ خدا هیچ کسی را برای جهنم خلق نکرد عاقبت کار خیلی‌ها جهنم است که این لام، لام عاقبت است نه لام غایت و گرنه خدای سبحان ﴿و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون﴾^۳ دارد آیتش آن است اینجا که فرمود ﴿و لقد ذرأنا لجهنم کثیرا من الجن والانس لهم قلوب لا یفقهون﴾^۴ این لام لام عاقبت است اینجا هم لام لام عاقبت است عرض کرد خدایا عاقبت کار اینها اضلال است خوب بگیر از دست اینها ﴿ربنا اطمس علی اموالهم﴾ خدایا مال‌های اینها را مطموس کن و موم بهی کن اینها از بین بروند نظیر آنچه

۱ - سورة كهف، آیه ۴۶

۲ - سورة اعراف، آیه ۱۷۹

۳ - سورة زاریات، آیه ۵۶

۴ - سورة اعراف، آیه ۱۷۹

که درباره قارون فرمود ﴿وَفَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ﴾^۱ فرمان صادر کردیم خدا گاهی شق القمر می‌کند گاهی شق البحر می‌کند گاهی شق الشجر می‌کند گاهی شق الارض می‌کند همه را می‌شکافد دیگر آنجا که ﴿أَنْ أَضْرَبَ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ﴾^۲ بود آن شق البحر کرد آنجا که ﴿وَفَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ﴾^۳ بود شق الارض کرد فرمود بگیرید این درباره قارون این‌طور مستجاب شد ﴿وَاشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ﴾ خدایا دل‌های اینها مشروح نباشد دل‌های اینها قصی باشد که ایمان نیاورند تا به عذاب الیم مبتلا بشوند اینها که مردم را به ستوه آوردند آخر يك سال و دو سال نبود سالیان متمادی ﴿يَذْجَبُونَ آبْنَاءَكُمْ﴾^۴ بود الان هم که تهدید این‌چنین است ﴿فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَلَأَصْلَبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ﴾^۵ است ﴿فَلَايُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ﴾ وقتی هم که عذاب الیمی دیدند یعنی به حالت احتضار رسیدند آن وقت این ایمان فایده ندارد ذات اقدس إله فرمود این دعاها را شما مستجاب شده است.

«الحمد لله رب العالمين»

۱ - سورة قصص، آیه ۸۱

۲ - سورة شعراء، آیه ۶۳

۳ - سورة قصص، آیه ۸۱

۴ - سورة بقره، آیه ۴۹

۵ - سورة طه، آیه ۷۶